

* معرفی یک عقدنامه

محمدتقی راشد محصل^۱

چکیده

عقدنامه‌های ازدواج نمونه‌ای از اسناد تاریخی است که از طریق مطالعه و بررسی آن می‌توان به آگاهی‌های فراوانی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و مذهبی دست یافت. این‌گونه اسناد همانند سایر مدارک و شواهد در علم تاریخ یعنی نقاشی‌ها، حجاری‌ها و کتیبه‌ها از جایگاه و ارزش ویژه‌ای برخوردارند. مقاله‌ی حاضر به معرفی یکی از عقدنامه‌های بزرگان ناحیه هردنگ (از توابع خوسف) پرداخته است. عقدنامه‌ی مذکور آخوند ملا محمدحسن هردنگی - از علمای بزرگ قهستان و این خطه - و همسرش کنیز رضا، دختر میرمکرم هردنگی از بزرگان ناحیه هردنگ، تعلق دارد. نثر عقدنامه، نوع القاب ناکح و منکوحه و هم‌چنین تحمیدیه و عبارت‌های آغازین این سند، نشان دهنده‌ی موقعیت طبقاتی و صاحبان آن است. اقلام مهرنامه و سایر مفاد آن زوایایی از حیات اجتماعی و اقتصادی مردم این خطه را بر ما آشکار می‌سازد. از این‌رو، در مطالعات تاریخ اجتماعی حائز اهمیت است.

واژگان کلیدی: عقدنامه، هردنگ، ملا محمدحسن هردنگی، خوسف، قهستان

۱. عضو هیأت علمی بازنشسته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

عقدنامه‌ها، وقف‌نامه‌ها، قراردادهای تجاری، صلح‌نامه‌ها، اسناد خرید و فروش خانه و زمین، طلاق‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها و مانند آن‌ها، مجموعه‌ای از اسناد هستند که تا قبل از شکل‌گیری سازمان‌های اداری جدید، تنظیم آن‌ها در شهرهای بزرگ در محضرهای شرعی و در شهرهای کوچک، بخش‌ها و روستاها، نزد علمای محل و حکام شرعی و مراجع محلی تنظیم می‌شده است. در شهرهای بزرگ ظاهراً دو یا سه نسخه از اسناد نوشته می‌شد و بایگانی منظمی نیز وجود داشت که تمام یا خلاصه‌ای از اسناد برحسب تاریخ در آن ضبط می‌شد تا در هنگام بروز اختلاف یا لزوم مراجعه به آنها، به‌عنوان سند رسمی و بر طبق مفاد آن اختلافات حل و فصل شود؛ حتی در دوره‌های اخیر که سازمان‌های رسمی دولتی این فعالیت‌ها را سازماندهی می‌کنند، نیز در کارهایی که به نوشته‌های بیش از یکصد سال و پیش از استقرار نظام جدید اداری مربوط می‌شود، هنوز این‌گونه اسناد اعتبار خود را دارد. نباید تصور کرد که نوشتن و تنظیم این اسناد، بدون توجه به اصول و موازین مشخص بوده است بلکه نویسندگان یا ناظران تنظیم این اسناد اصول شرعی را در نگارش آنها مدنظر داشته و گامی که خلاف شرع مقدس باشد، برنمی‌داشته و جای شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذاشته‌اند و دو یا سه رونوشت از اسناد نوشته می‌شد تا خطر از میان رفتن آنها کمتر باشد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲۲۰). نوشتن نسخه‌های متعدّد از اسناد و نوشته‌ها در ایران، پیشینه‌ای طولانی دارد و به سه‌هزار سال پیش باز می‌گردد. آغازگر این شیوه ظاهراً کاتبان آرامی زبان بودند که پادشاهان هخامنشی برای سازمان دادن بایگانی اسناد خود، صدور فرمان‌های شاهنشاهی و ارسال آنها به شهربان‌های ایالات، به استخدام خود درآوردند. اینان از نامه‌هایی که می‌نوشتند دو یا سه نسخه تهیه می‌کردند که نسخه‌ای به ذی‌نفع می‌دادند و نسخه‌ی دیگر را برای ایالتی که فرمان به او مربوط می‌شد، می‌فرستادند و یک نسخه در بایگانی اسناد سلطنتی نگهداری می‌کردند که امروز مجموعه‌ای از این اسناد باقی مانده و برخی از آنها ترجمه شده و آگاهی‌های آنها استخراج شده است (کخ، ۱۳۷۷).

در بخش‌ها و روستاهای مختلف کشور که محضر شخصی برای نوشتن و گردآوری

این اسناد وجود نداشت و عموم مردم نیز امکان یا تمایل به نگهداری این اسندها را نداشتند یا شیوه استفاده از آنها را به سبب بی‌سوادی نمی‌دانستند، این نوشته‌ها را غالباً اعلّم محل که رسیدگی به امور شرعی و عرفی ساکنان منطقه به عهده‌ی او بود در اختیار داشت و عموم مردم هنگام نیاز به او مراجعه می‌کردند و بدین سبب است که اسناد محلی غالباً در نزد خانواده‌های حاکمان شرع منطقه باقی مانده و اکنون کسی به آنها مراجعه نمی‌کند و غالباً صاحبان این اسناد ناشناخته باقی مانده‌اند. ارزش این اسناد بیشتر به سبب اطلاعات مختلفی است که اکنون برای پژوهش‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، شناخت شخصیت‌ها، اوضاع اقتصادی و سیاسی می‌توان استخراج کرد و این ضرورتی است که باید با دقت و صرف وقت و با جدّیت پیگیری شود.

قرائت، طبقه‌بندی و مدون کردن آگاهی‌های این اسناد مشکلاتی نیز دارد، از جمله ناخوانا بودن خطوط، پاک‌شدگی نوشته‌ها، پارگی کاغذ، ناخوانا بودن مهرهای مختلف، کامل نبودن اطلاعات افرادی که سند به آنها مربوط است، مشخص نبودن مناطق جغرافیایی به سبب خشک شدن قنات‌ها و ویران شدن روستاها، تعویض نام روستاها، از میان رفتن خانواده‌ها یا مهاجرت آنها به شهرهای بزرگ و ...

سندی که اینک به معرفی آن می‌پردازد عقدنامه‌ی آخوند ملا محمدحسن هردنگی و همسرش کنیز رضا دختر میرمکرم هردنگی است. عقدنامه‌ها گرچه در جزئیات با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند اما پیکره کلی آنها همانند یکدیگر است. متن مهرنامه با آیه و گاه به دنبال آن حدیثی در لزوم و وجوب نکاح آغاز می‌شود. ناکح و منکوحه با ذکر نام و نام پدر معرفی می‌شوند بی‌آن‌که از تاریخ تولد آنها سخنی به میان آید سپس میزان مهریه غالباً به تومان خراسانی (معادل بیست و پنج ریال) مشخص می‌گردد و این مبلغ برحسب درجه و تمکن طرفین با ملک و شماری از اغنام و احشام و فرش و ظرف و آلات و ادوات خانگی و گاه طلا و نقره معادل می‌شود. در پایان مبلغی نقدی نیز تعیین می‌شود اما در برخی از عقدنامه‌ها، از جمله همین عقدنامه مورد نظر پول نقد در نظر گرفته نشده است. اگر میزان عقدنامه‌های منطقه در حدّی باشد که بتوان آنها را از جهات مختلف مقایسه کرد شاید اشتراکات دیگری نیز در آنها یافت شود.

۱- متن بازخوانی شده عقدنامه

هوالمؤلف بين القلوب و الابصار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أحلَّ النِّكاح و ندب اليه و حرّم الزنا و السّفاح و توعدّ عليه و الصّلوة و السّلام على اشرف الكاينات و خلاصة الممكنات و فخر الموجودات و المقصود بايجاد الارضين و السموات محمّد المبعوث على كافة المخلوقات عليه و على اله افضل الصّلوات و التحيّات الى ...

و بعد غرض از تحرير اين كلمات و اوضحة الدلالات و ترقيم اين سطرآت مألّفآت آبات كه چون بقاى بنى نوع انسانى و دوام سلسله موجودات جسمانى موقوف به امر مناكحه و ازدواج است فبناء على هذا نظر بمضمون حكم الهى كه از مصدر جلالت پناهى در محكم كتاب كريم و فرقان عظيم عزّ صدور ارزانى فرموده حيث قال و هو اصدق القائلين: وانكحوا الاياما منكم و الصالحين من عبادكم و امائكم ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله و الله واسع عليم. و بجهت امتثال حكم حضرت رسالت پناهى آن شمع شبستان نبوت و منبع سعادت و عصمت آن مخاطب به خطاب لولاك فى حديث المروى القدسى: لولاك لما خلقت الافلاك.

محمّدى كه غرض گر نه ذات او بودى نه عرش بود و نه كرسى نه بود ارض و سما
گل رياض لعمرک، شكوفه والنجم طراز كسوت ياسين و زيور طه

قال روى عنه (ص): تناكحوا، تناسلوا تكثروا فأنى أباهى بكم الامم يوم يوم القيمة ولوبالسقط وايضا روى عنه (ص): النكاح سنّتى فمن رغب عن سنّتى فليس منّى در اسعد زمان و ايمن اوان عقد مناكحت و ازدواج شرعى واقع شد فيما بين المتناكحين و هما الذان فصل اسميهما فى هذه الورقة الميمونه:

الناکح	المنکوحه
عالیجناب فضائل مآب قدس القاب سلالة الاطیاب جناب مستطاب، العبد الممتحن جناب آخوند ملامحمدحسن نجل زکی جناب مستطاب مقدّس القاب جناب ملاّمحمد رفیع سلمهما الله تعالی	و هی عصمت پناه، عفت اکتناه صدارت دستگاه نتیجه الاشباة، العاقلة البالغة الكاملة العفیفه الجلیله المنسوبة، البکر الرشیده المسماة به کنیز رضا بنت عالیشان عزت نشان عمدة الاعیان نتیجه الاعاظم میرمکرم بیک عرب خزیمه

به صدق معین و کابین مبرهن مبلغ پنجاه تومان خراسانی رایج معامله قصبه بیرجند بقرار تفصیل که در این ورقه ذیل داده می شود:

املاک از مزرعة نصرآباد مع اراضی تابعه و كافة ملحقات شرعیه و عرفیه و عادیه یک طاقه بانضمام نصف دار واقعه در مزرعة مزبور مع اللواحق الشرعیه: ۱۸ تومان.

در مزرعة طاقان که غنی از وصف است مجاری دو سهم مع کلّ ملحقات شرعیه و عرفیه و عادیه مع الاراضی و غیره: ۶ تومان.

فرش از باهو و نمد بیرجندی و گلیم، یک اطاق: ۵ تومان.

گوسفند نتاجی بالمناصفه معزاً و ضائناً، بیست رأس: ۵ تومان.

مس ساخته از کاشانی و غیره بوزن معمول قاین، ده من: ۵ تومان.

ملبوس از ابریشمی و غیره، سه دست: ۵ تومان.

رخت خاب [= خواب] مع اسباب، سه دست: ۳ تومان.

طلا آلات و نقره آلات ساخته: ۳ تومان.

عقداً صحیحاً، مشتملاً علی الايجاب و القبول اللهم بارک لهما و طیب نسلهما و آلف بینهما بحقّ محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین و کان بتاریخ یوم السابع عشرین شهر شعبان سنه ۱۲۹۳.

[حواشی]:

شهدت علی نفس بما اسند الی و شهد علیهما خطی و خاتمی حرره الاقل العاصی مهر شده (دوبار) مخفی نماناد که دو فقره ملک که عبارت از یک طاقه نصرآباد و دو سهم مزرعه طاقان و نصف دار واقعه در مزرعه نصرآباد باذن محقق از جانب والد ناکح معظم له با ایشان (کذا) و بعد ذلک الصلح جزء صدق قرار دادند. بتاریخ المتن ذلک مطابق للواقع مهر شده «با دو مهر متفاوت».

قد وقع العقد علی مازبر فیه ایجاباً و قبولاً حرره العبد الاثیم ولی الله امضا شده و در زیر نوشته شده است: «احقر شاهد» قد وقع العقد علی مازبر فیه ایجاباً و قبولاً حرره العبد الاقل محمود ابن محمد.

وقع العقد علی مازبر فیه ایجاباً و قبولاً حرره العبد الاقل اخ الناکح مهر شده. طاقه نصرآباد به [اذن] اخوی معافسه (کذا) کردند بطاقه مبادی و نصف منزل را به اخوی دادند منکوحه اخوی در مبادی عوض بدهد حقیر هم در عوض دیون پنجاه و دو فنجان رخ را بمنکوحه دادم که رخ تماماً بعوض مهر و ارث او از اوست و اگر حرف داشته باشد همان دیون خود را استیفا خواهد کرد و سه سهم طاقان را هم بعوض منافع ملک ارثی و مهری او که خود صرف می‌کنم به او دادم، پنج شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۱ مهر شده عبدهالراجی محمدحسن. لقد صدرالقول منی وکالة و انا العبد الاقل عبدهالراجی محمد رفیع.

قد صدرالایجاب منی وکالة عن وکیلها و انا العبد الخاطی اقل السادات مهر شده ...

۲- نکاتی درباره‌ی متن عقدنامه

قبل از ارائه‌ی توضیحات درباره‌ی عقدنامه‌ی حاضر، ضروری است کلیاتی در مورد عناصر و بخش‌های مختلف عقدنامه‌ها بیاید. معمولاً یک عقدنامه از بخش‌های مختلفی تشکیل می‌شود که شامل تحمیدیه، پیش نوشتار، معرفی زوجین، اقلام مهریه، دعای خاتمه، تاریخ و ذکر اسامی شهود یا حضار و مهر آنان است (علیزاده بیرجندی، و دیگران، ۱۳۸۵: ۵۶).

عقدنامه‌ی حاضر نیز از نظر ساختاری، شامل عناصر و بخش‌هایی است که در بالا به

آن اشاره شد.

اندازه‌ی عقدنامه: ۳۵-۵۰ سانتی‌متر و بر روی کاغذی نسبتاً ضخیم است و به رنگی نزدیک به زرد کم‌رنگ است.

نثر و شیوه‌ی نگارش عقدنامه در قیاس با چند مهرنامه‌ی دیگر که در دست بررسی دارد هم از جهت استناد به آیات و احادیث و هم از نظر عبارات و عناوین به کار رفته در متن، از استحکام و استواری بیشتری برخوردار است. دو بیت شعر: محمدی که ... ویژگی خاص این سند ازدواج است و در پنج سند دیگر که در دسترس دارد اصولاً شعر به کار نرفته است.

کاربرد آیات و روایات و اشعار رابطه‌ی نزدیکی با موقعیت اجتماعی و شأن جایگاه علمی زوجین یا والدین آنها دارد. در این عقدنامه از آنجا که هم ناکح و هم پدر ایشان در زمره‌ی علمای^۱ سرشناس منطقه قرار دارند، عبارات آغازین آن با سایر عقدنامه‌ها تفاوت دارد.

عناوین و صفاتی که برای ناکح و منکوحه در این سند به کار رفته، متناسب با مقام و مرتبه‌ی طرفین است. آخوند ملا محمدحسن هردنگی فقیه، عالم و حاکم شرع منطقه هردنگ بوده است و احتمالاً چند سالی نیز بر مسائل شرعی تمام منطقه‌ی قاینات نوعی نظارت داشته است (راشد محصل، ۱۳۴۲: ۲۵-۴۵ با تلخیص؛ غوث، ۱۳۹۱: ۴۰۰-۴۷۱ با تلخیص).

ملا محمد رفیع پدر زوج از علمای بزرگ ناحیه‌ی هردنگ بوده و بنا به فرمانی از ناحیه‌ی مرجع بزرگ زمان شیخ مرتضی انصاری اجازه تصرف در جمیع اموری داشته است که منوط به نظر حاکم شرع بوده. محل تولد و زندگی آخوند و پدرش قریه‌ی مبادی از روستاهای مهم منطقه بوده است که اکنون نیز گرچه اهمیت و آبادانی گذشته را ندارد اما کاملاً متروکه نیست و حتی ویرانه‌های منزل مسکونی آخوند باقی مانده است.

هردنگ نام بزرگترین روستای منطقه است که مرکز و حاکم‌نشین ناحیه نیز بوده و هم اکنون هم، از آبادانی نسبی برخوردار است. نصرآباد و طاقان نیز نام دو روستای دیگر

۱. درباره موقعیت طبقه علمای بیرجند ر.ک. به: رضائی، ۱۳۸۱: ۲۲۳

منطقه‌اند (غوث، ۱۳۹۱: ۴۳-۵۹).

میرمکرم بیک عرب خزیمه نیز از بزرگان ناحیه‌ی هردنگ بوده است که اولاد او هنوز هم در ناحیه‌ی مذکور و بیرجند مقیم هستند. ورود اعراب خزیمه به خراسان ظاهراً حدود سال ۱۵۰ هجری قمری صورت گرفته است و رسیدن آنها به قاینات در اواخر دوره‌ی صفویه روی داده است و تیره‌ای از آنان به ناحیه‌ی هردنگ آمده‌اند (غوث، ۱۳۹۱: ۵۵-۵۹). برخی از طوایف عرب قاینات به‌ویژه نخعی‌ها و گروهی از خزیمه به جای خان واژه‌ی میر و بیک را به نام خود افزوده‌اند (نجف‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۸۱-۱۹۹).

طاقه: ۱۲ ساعت آب بُرد. نیمروز: شش ساعت آب برد. سهم: یک شبانه‌روز آب برد. مدار تقسیم آب در این روستاها بر مبنای بیست شبانه‌روز پایه‌گذاری شده است. بنابراین مالک یک طاقه آب حق دارد در هر بیست روز به مدت ۱۲ ساعت از آب قنات برای آبیاری زمین‌های خود استفاده کند و ...

باهو (= بازو): کناره‌ی قالی یا نمد.

مَعَز: بز، خلاف ضأن و مؤنث استعمال می‌شود و اسم جنس است که واحدی از لفظ خود ندارد (لغت‌نامه دهخدا).

ضأن: میش و میشینه خلاف مَعَز (لغت‌نامه دهخدا).

مَن: معمول قاینات وزنی معادل چهل سیر و هر سیر نه مثقال.

عدد ۱۲۹۳ را می‌توان ۱۲۸۳ نیز خواند اما با توجه به مراجعت آخوند به مبادی ظاهر ۱۲۹۳ ارجح است.

رَخ: نام یکی از آبادی‌های ناحیه‌ی هردنگ که یکی از سه مرکز فرهنگی ناحیه نیز به‌شمار می‌آید.

منابع

۱. حبیبی، حسن (۱۳۸۷). "توصیف و تحلیل جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی اسناد ازدواج و طلاق محضر خندق آبادی‌ها". در: جشن‌نامه‌ی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۱۵۹-۲۱۹.
۲. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه. ذیل "ظان".
۳. راشد محصل، محمدتقی (۱۳۴۲). "بحث در آثار شش نویسنده‌ی قهستانی". پایان‌نامه کارشناسی ادبیات فارسی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. رضایی، جمال (۱۳۸۱). بیرجندنامه (بیرجند در آغاز سده چهاردهم خورشیدی). به اهتمام محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
۵. علیزاده بیرجندی، زهرا، و دیگران (۱۳۸۵). نگرشی بر مهرنامه‌های عصر قاجاریه در بیرجند. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
۶. غوث، کمال (۱۳۹۱). دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن خراسان، گنج‌نامه‌ی ناحیه‌ی هردنگ. تهران: فکر بکر.
۷. کخ، هایدماری (۱۳۷۷). از زبان داریوش. ترجمه‌ی پرویز رجبی. تهران: نشر کارنگ.
۸. نجف‌زاده، علی (۱۳۹۱). "نخعی‌های قاینات و رابطه آنها با خزیمه‌ها در دوره قاجار". در: جستارهایی درباره‌ی بیرجند. به اهتمام علی محمد طرفداری و محمود رفیعی. تهران: هیرمند: ۱۶۱-۱۸۱.

تصویری از اصل سند

